



از صبح روی میز ما  
مشغول کار و کاسبی است  
توی بساطش خرده نان  
با تخمه‌های طالبی است

حتماً برای بچه‌اش  
دنبال یک لقمه غذاست  
من دیده‌ام در کار خود  
خیلی دقیق و بی صداست

هر روز چیزی می‌برد  
از خانه‌ی ما، مورچه  
امروز هم یک «نوش جان»  
گفتم به بابا مورچه

# بابا مورچه

سمیه تورجی  
تصویرگر: عاطفه شفیعی راد



یک شعر دیگر







ای خدای مهربان  
تو صبوری و عزیز  
توی صبردان من  
صبر بیش تر بریز

صبر  
سینه باباچی

صبر خانه اش کجاست؟  
در کجای آدم است  
صبر مادرم زیاد  
صبر من ولی کم است



یک شعر دیگر